

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: بثینه شعبان  
فرستنده: علی کاظمی  
۰۴ اکتوبر ۲۰۲۳

## روایت جایگزین- مقاله مشاور عالی بشار اسد درباره چین



بثینه شعبان

چین به مرحله‌ای رسیده است که می‌تواند الگویی برای اعتماد به نفس، تاریخ و آینده باشد و الگویی برای همه کشورهای باشد که واقعاً مشتاقند فشار استعمار غرب را از دوش خود بردارند.

تقریباً همه چیزهایی که ما در مورد چین یا هر کشور یا تمدن دیگری می‌دانیم، محصول آن چیزی است که رسانه‌های غربی با مهارت در ذهن ما کاشته‌اند. این رسانه‌ها از یک قرن پیش به عنوان وظیفه اصلی خود، شکل‌دهی ذهن انسان‌ها و مفاهیم آنها را نسبت به یک دیگر قرار داده‌اند، به گونه‌ای که به نفع پروژه استعماری غربی است که بر اساس بردگی مردم، غارت ثروت‌های آنها و وابستگی کشورهای آنها به سیاست‌های اقتصادی غرب است. رسانه‌های غربی طی سال‌ها، ویژگی‌ها و قضاوت‌ها را تکرار می‌کنند تا بخشی از فرهنگ خواننده، بیننده یا شنونده شوند، حتی اگر با واقعیت عینی و ملموس به طور کامل متناقض باشد.

شدت و خطر این روایت و تأثیر آن بر دانش و قضاوت با افزایش سلطه رسانه‌های اجتماعی و کاهش مطالعه و تحقیق دقیق در سطح جهانی، افزایش یافته است.

بنابراین، کسی که به طور عینی برخی از حقایق از چین واقعی را کشف می‌کند، به عنوان مثال، نمی‌تواند کاری به جز این کند که مجموعه‌ای از مفاهیمی را که رسانه‌های غربی در کله او کاشته‌اند، مرور کند و شروع به مقایسه و جداسازی تبلیغات غربی از واقعیت نماید، تا زمانی که به این نقطه برسد که باید همه آن انرژی و وقتی را که در خواندن یا تماشای مستندها درباره جمهوری خلق تلف کرده است فراموش کند و بر روی واقعیت‌های ملموسی که از نزدیک در زمین خاکی کشف می‌کند تمرکز کند.

همه چیزهایی که ما در مورد چین و دیکتاتوری حزب واحد خوانده‌ایم، یا اشتیاق مردم آن کشور به سیستم‌های دموکراتیک غربی و ناتوانی این سیستم چینی در تحقق آزادی و رشد برای شهروندان خود، در برابر دیدگاه مردمی منظم و دقیقی که سرشار از نشاط، همبستگی و تعهد به مبارزه با فقر و بهبود سطح مردم، نه تنها در چین فرو می‌پاشد. چین نه فقط خواستار چنین وضعیت پرشور و نشاطی برای کشور خود بلکه برای تمامی کشورهای جهان می‌باشد و آن را برای همه انسان‌ها به اشتراک می‌گذارد.

چه زیباست که میراث و فرهنگ را در کنار آخرین دستاوردهای علم و فناوری مدرن ببینیم و غرور، عزت و سربلندی را با بالاترین حالات فروتنی و خم شدن در برابر انسانیت مشاهده کنیم، بدون تبعیض، نژادپرستی یا برتری بر اساس رنگ، قومیت، نژاد یا دین.

پس از آن که جهان به طور کامل ریاکاری دموکراسی غربی و استفاده از آن به عنوان پوششی برای سرکوب مردم، غارت ثروت‌های آنها، اشغال کشورها و ایجاد و گسترش پایگاه‌های نظامی و سیستم‌های فساد در هر کجا که نفوذ غرب پا می‌گذارد، کشف کرد.

نظمی که مبتنی بر زور و اطلاعات‌رسانی ظالمانه است که بر اساس استخوان بندی مافیائی و باندهای خارج از قانون عمل می‌کند.

چنین کشوری که توانسته است با غلبه بر همه موانع و دشواری‌ها به نقطه‌ای برسد که الگویی برای سایر کشورها باشد، الگویی برای اعتماد به نفس، تاریخ و آینده، و الگویی برای همه کشورهای که واقعاً مشتاقند فشار استعمار غرب را از دوش خود بردارند.

بنابراین، نمی‌توان از یک سیستم آینده‌نگر با چشم‌انداز بلندمدت استقبال نکرد که بر اساس مذاکره، مشورت و کاوش استوار است تا پایه‌های ابتکارات توسعه جهانی، تمدن جهانی و امنیت جهانی را بنا نهد. این ابتکارات که چین تنها ریشه و پایه آنها است، از طریق ابتکار «یک کمربند، یک راه» به سراسر جهان گسترش می‌یابد، جهان را برای ساخت، نوسازی و توسعه مشتاق می‌کند.

در حالی که دموکراسی‌های غربی به تحریک جنگ‌ها و آشوب‌ها، مداخله در امور داخلی کشورها به منظور غارت ثروت آنها، فقیر کردن آنها و نگه داشتن آنها تحت اختیار اراده غرب مشغول بوده‌اند، چین به عدم مداخله در امور داخلی کشورها و کمک به ساخت کشورهای قوی و نهادهایی پایدار که امنیت و رفاه را برای مردم آن کشور به همراه دارد، پایبند است. بدون تحمیل کردن، شرایط یا محدودیت‌ها.

در چین، زنان در همه جا در محل کار حضور دارند، با اقتدار و بدون تمرکز بر ظاهری عروسکی، بلکه با ظاهری احترام برانگیز، با کارائی و فداکاری فراتر از جنسیت یا سن. برای این منظور، چین سیاست جذب همه کودکان به مهد های کودک و پیش‌دبستانی‌ها را دنبال کرده و بر ساخت انسان از نظر جسمی و اخلاقی قبل از هفت سالگی تمرکز کرده است تا نسلی را تضمین کند که به وطن خود تعلق دارد و در برابر تحریف دشمنان و مخالفان دارای مصونیت و ایمنی است.

در عین حال، به مادران فرصتی ایده‌آل برای ادامه تحصیلات، کار یا تولید خود بدون این که مجبور شوند مانند زنان در غرب بین خانواده و شغل یکی را انتخاب کنند، این فرصتی جعلی است که مخالف نیازهای زنان و واقعیت است و هسته اساسی جامعه انسانی، را ویران می‌کند.

چین در سی سال گذشته نسلی از جوانان و زنان جوان مصونیت‌یافته و متعلق به خود را تولید کرده است که نفوذ در آنها دشوار است. این امر به دلیل توجه به آنها، رشد و گرایش‌های آنها از همان سنین پائین است. در حالی که غرب ادعا

می‌کند که چنین روشی آزادی انتخاب انسان را سلب می‌کند، همه ما امروز دیده‌ایم که این آزادی رها شده از ارزش‌ها، اخلاق و عرف انسانی که غرب ادعا می‌کرده است، به کجا می‌انجامد و خطر آن بر ساختار جامعه و حتی بر انسانیت انسان، تعادل و نقش او در زندگی چقدر است.

چین اهمیت ویژه‌ای برای سیستم‌های آموزش و پژوهش علمی قائل است و بودجه‌های بسیار سخاوتمندانه‌ای را برای تحقیقات در دانشگاه‌ها یا مراکز تحقیقاتی تخصصی اختصاص می‌دهد. تفاوت بزرگ بین این مراکز و مراکزی که در غرب پراکنده هستند این است که مراکز تحقیقاتی غربی آنچه را که سلطه و استبداد بر جهان را تقویت می‌کند تولید می‌کنند و آن را با پوشش آزادی و حقوق بشر می‌پوشانند.

از این رو، توصیفات دیکتاتورانه‌ای که غرب به هر چیزی که مربوط به چین است می‌زند، بی‌معنا و بی‌اساس است، زیرا نتیجه سیاست‌های چینی، یک کشور قوی و شهروندانی با کرامت است. زیرا فقر و تنگدستی دشمنان کرامت و زندگی انسان هستند و تا زمانی که سیاست چین بر نجات همه مردم از فقر تمرکز زیادی داشته باشد، قطعاً بر انسانیت و کرامت انسان پیروز می‌شود، در حالی که ما شاهد گسترش کانون‌های فقر در تمام شهرهای اصلی غرب هستیم و فقر در هر کجا که غرب یا نمایندگان آن حضور داشته باشند، گسترش می‌یابد و غرب و سازمان‌های اطلاعاتی آن، بذریه‌های فساد را در ساختارهای سیاسی و اجتماعی هر کشوری که توانسته‌اند بر آن تسلط یابند، می‌کارند.

در چین، آنها به مناسبت برداشت محصولات جشن می‌گیرند و رسانه‌ها صفحاتی را به آن اختصاص می‌دهند تا رقابت شگفت‌انگیز تولید را نشان دهند. و در چنین جشنی، رئیس‌جمهور چین، شی جین پینگ، تأکید می‌کند که هدف مرکزی پیشرفت کشاورزی باید بهبود وضعیت کشاورز و بهبود وضعیت مادی او باشد و از تمام تلاش‌هایی که برای توسعه روش‌ها و رویکردهایی برای افزایش درآمد کشاورزان به گونه‌ای که جیب آنها پر شود، حمایت می‌کند. در این صورت زندگی آنها بهتر خواهد شد. و وقتی در خیابان‌های خانجو یا بیجینگ هستید، احساس می‌کنید که در نمایشگاه دائمی گل هستید، زیرا زیبایی و ظرافت در کاشت و طراحی گل‌ها قابل مقایسه با هیچ شهر غربی نیست، که باعث می‌شود ذوق عمومی و سطح تمدن انسان‌ها بالا برود.

اما شفافیت حرف اول را می‌زند، جایی که هیچ کس پول نقد در دست ندارد و کودکان بسختی می‌دانند که پول نقدی وجود دارد. چین یک مدل پرداخت الکترونیکی تلفون همراه ساخته است که از آخرین مزرعه چین تا عمق شهرهای بزرگ استفاده می‌شود. هیچ انتقال بانکی، برداشت نقدی و مبلغ نقدی وجود ندارد که بخواهید از منبع آن سوال کنید. بلکه یک کد روی تلفون‌ها وجود دارد که از طریق آن پرداخت انجام می‌شود، که به طور کامل به فساد، کمسیون‌ها و سوء استفاده مالی پایان داده است، خلاف کشورهای غربی که ادعا می‌کنند با فساد مبارزه می‌کنند، در حالی که همچنان میلیارد‌ها دالر از عراق، لیبیا، سوریه، کشورهای حاشیه خلیج فارس و هر کشوری که به آن حمله می‌کنند، غارت می‌کنند و همانطور که میراث تاریخی کشورها را غارت کردند، امروز نفت، گندم، فلزات و منابع هر کشوری را که نیروهای آنها بتواند در آن مستقر شود، غارت می‌کنند.

یعنی که تناقض بین گفته و عمل در نظام‌های غربی واقعاً ترسناک است، در حالی که ما در چین احترام بی‌نظیری را نسبت به هر کلمه، عهد یا وعده‌ای می‌بینیم. چینی‌ها حافظه‌ای دارند که آنها را به بازنگری، تفکر و استفاده از درس‌های گذشته سوق می‌دهد.

در مرحله بعدی، چین باید بر روایت‌های خود در مورد تصویر خود در جهان تمرکز کند و تلاش‌های مضاعف کند تا جهان را بیشتر با تاریخ خود، گام‌های عظیمی که برای مبارزه با فقر و فساد برداشته است و نوع دموکراسی چینی که با فرهنگ چینی و نیازها و آرزوهای مردم چین سازگار است، آشنا کند.

با این کار، چین یک مدل زنده و درخشان از ضرورت سازگاری شیوه حکومت با فرهنگ و نیازهای هر ملت ارائه می‌دهد و ایده غلطی را که غرب برای دهه‌ها در مورد صلاحیت دموکراسی لیبرال برای همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها تبلیغ کرده است، خنثی می‌کند، به ویژه که این دموکراسی شکست و فاجعهٔ خود را بر مردم جهان، حتی بر مردم کشورهای غربی، ثابت کرده است و خطرات جدی برای ایمنی جامعهٔ بشری، طبیعت و آیندهٔ آن دارد.

چین به مرحله‌ای رسیده است که می‌تواند الگویی برای اعتماد به نفس، تاریخ و آینده باشد و الگویی برای همهٔ کشورهایی باشد که واقعاً مشتاقند سنگینی استعمار غرب را از دوش خود بردارند و از نژادپرستی و خودخواهی غربی که برای محوریت و ارزش‌های مردم تلاش می‌کنند، خلاص شوند.

پیروزی چین برای ابقای نقش رهبری در جهانی چندقطبی، پیروزی ارادهٔ آزاد و بخشش انسانی و پیروزی بر دشواری‌های جدی است که اکثر مردم جهان در جهان امروز با آن مواجه هستند.

**یادداشت: ارسال یک مطلب به هیچ صورت به معنای تأیید کامل و یا مطلق همان مطلب نیست. ع. ک.**